

به مناسبت عرضه مجموعه هنری «شعر و رقص و ترانه...»
توسط «بنیاد توس»

گفتگو با فرزانه کابلی بالرین، طراح و ستاره هنر رقص ایران

حضور در صحنه و راه رفتن در وادی رقص، هر بار برای من
به منزله تولدی دگرباره است



عکس رابرت دو وارن را در تالار رودکی تهران نشان می‌دهد که به استقبال شاهنشاه و شهبانو فرح پهلوی آمده است



فرزانه کابلی

را به او هدیه کنم. فقط با این زبان الکن همیشه بوسه بارانش می‌کنم و می‌گویم یادتان باشد من همان فرزانه کوچک شما هستم که بزرگترین افتخار را آن سالها به من دادید و در «اپرای کارمن» اثر جرج بیزه مرا به عنوان پارتنرتان انتخاب کردید و آن روز با رقصیدن رو به روی شما گویی عمری جوادان یافتیم. امروز امیدوارم با کارهایی که در سرتاسر جهان به صحنه می‌برم بتوانم ثابت کنم که لیاقت آن همه بزرگی را داشته‌ام.

س: آیا فکر می‌کنید بتوانید این هیجان و قدردانی را با خود به صحنه و مردم انتقال دهید؟
ج: صحنه برای من مقدس است. چه در ایران چه کانادا، انگلستان، پاریس و یا هر نقطه‌ای از جهان که باشد، وقتی روی صحنه هستم از زندگی عادی و روزمرگی کیلومترها دور می‌شوم. تو گویی در هر ورود به صحنه به یک دنیای مرموزی قدم گذارده‌ام که تا کنون ندیده‌ام. مثل یک تولد، مثل سبز شدن و رویدن و بسیار زیبا، آنجا دیگر من نیستم، همه شور است و هیجان.

آرزویم در آن است که در روز ۲۴ اکتبر، در لوگان هال تحت پوشش بنیاد توس توفیق دیدار عزیزانی را که پیوسته مشوق فرهنگ و هنر بودند پیدا کنم و بتوانیم افتخار ایرانی بودن را یکبار دیگر در زیر یک سقف با هم تجربه کنیم.

● **آرزوی موفقیت برای شما و یارانتان و تشکر برای فرصتی که برای مصاحبه به ما دادید.**

در المپیک بانوان کشورهای اسلامی که در ایران برگزار گردید طراحی، حرکت، رقص، در افتتاحیه و اختتامیه نمودم.

س: می‌دانیم که شما یکی از ستاره‌های درخشان برنامه‌های استاد دو وارن در ایران بودید. امروز با گذشت ۳۲ سال از آخرین اقامت ایشان در ایران که راه او را در پیش گرفتید آیا فکر می‌کنید توانسته‌اید هدفی را که او داشت به مقصود برسانید؟

ج: آنچه امروز هستم و آنچه خودم و شاگردانم امروز داریم و می‌دانیم، مدیون آقای رابرت دو وارن است که در آن روزها که هیچ نمی‌دانستم دست مرا گرفت و به وادی رقص وارد کرد، من تا جان دارم می‌رقصم. و اگر روزی نتوانم برقصم آن روز حتماً خواهم مرد و تا آن روز سعی خواهم کرد شاگرد خلی برای استادم باشم. راه من راهی است که او در ایران به من نشان داد، راه رفتن در وادی رقص و بیان مقصود به وسیله حرکت نه عرضه بدن.

س: وقتی بنیاد توس از شما برای برنامه روز ۲۴ اکتبر ۲۰۱۰ دعوت کرد که رقص‌های بومی ایران به روی صحنه بیاورید چه احساسی داشتید؟

ج: من اگر هزار زبان داشتم هرگز نمی‌توانستم احساسم را نسبت به استادم بیان کنم. او مرا رقص آموخت و نفس کشیدن و زندگی روی صحنه. کاش می‌توانستم نیمی از عمرم



اشاره:
همانگونه که در شماره هفته گذشته کیهان خواندید، بنیاد فرهنگی - هنری توس، عصر یکشنبه ۲۴ اکتبر، یک مجموعه هنری دیگر زیر عنوان «شعر و رقص و ترانه... در سرزمین چنگ و چغانه» را در لوگان هال لندن به علاقمندان هنر و فرهنگ ایران عرضه می‌کند که بی‌تردید مانند دیگر برنامه‌های «بنیاد توس» با استقبال گسترده روبرو خواهد شد. هفته گذشته مصاحبه‌ای را که با خانم جمیله خرازی مؤسس و مدیر بنیاد توس انجام داده بودیم، خواندید. این هفته گفتگویی داریم با خانم فرزانه کابلی بالرین، طراح برنامه‌ها و ستاره هنر رقص که طی آن، این هنرمند از سوابق فعالیت‌ها و کارهای هنری خود در ایران و سایر کشورها سخن گفته است.

● **سرکار خانم کابلی، نام شما برای ما و علاقمندان به هنر رقص نام بسیار آشنائی است. از چه زمانی به این هنر علاقمند شدید و چه کارهایی در این زمینه کردید؟**

کابلی: من سلام می‌کنم به همه کسانی که به هنر رقص علاقمندند و همه احترام و عشق خودم را تقدیم می‌کنم به آنها که در راه هنر رقص کوشش می‌کنند. من از کودکی به رقص علاقه داشتم، ریتم را می‌شناختم و با آن می‌رقصیدم. وقتی به دبیرستان رسیدم تقریباً شناخته شده بودم و در روزهای ویژه و جشن‌های مختلف و تاریخی طراحی و کریوگرافی می‌کردم و می‌رقصیدم و سازماندهی و اداره همه برنامه‌های هنری دبیرستان که بیشتر هم رقص بود با من بود. با تأسیس هنرستان رقص‌های ملی و محلی ایران، وارد این هنرستان شدم و شروع به فراگیری این هنر به طور جدی و حرفه‌ای نمودم. من در رشته رقص زیر نظر اساتید ایرانی و خارجی آموزش دیدم، ولی استاد اصلی من آقای رابرت دو وارن بوده‌اند که از ایشان بسیار آموختم و در هنر رقص درجه‌های بیشتری را به روی من گشودند و احساس همیشگی من به ایشان احساس شاگرد و استادی است. امیدوارم زنده باشند و سالها هنرجویان عاشق و مستعدی به جهان رقص سالم تحویل دهند.

من در حال حاضر در ایران مشغول کار در هنر رقص هستم و کارهای فراوانی در داخل ایران و کشورهای خارج اجرا کرده‌ام. آخرین کارم در کشور کانادا بود که به دعوت دانشگاه تورنتو به آنجا رفتم و با دانشجویان رشته‌های مختلف، رقص‌های ملی و محلی ایران را در سه شهر کانادا به صحنه بردم.

در داخل ایران نیز در سفارتخانه‌های ایتالیا، فرانسه و کانادا به مدت ۴ سال و هر سال ۴ شب، برنامه رقص به صحنه بردم. در ایران علاوه بر بازی در تئاتر و سینما و تلویزیون، طراحی و کریوگرافی کرده‌ام و حدود ۱۵۰ رقص ملی و محلی طراحی کرده‌ام که تعدادی از آنها در تالار وحدت (رودکی سابق) به صحنه رفته است. در سال ۱۳۸۰ شمسی سیمیرغ عطار را که سالها پیش آقای دو وارن به صحنه برده بودند با اجرایی جدید در تالار وحدت به صحنه بردم. در سال ۱۳۸۲ رقص‌های محلی ایران از ۸ استان مختلف را به صحنه بردم.